

بعضی از ناس از بعضی مخصوص ساحت اقدس زخارف طلب نموده و
مینمایند و این بغایت از شطر عدل و انصاف بعید است از اول ظهور تا
حین ابداء بنفسی در چنین امور اظهار نرفته مقدس است ذیل امر از این اذکار
تا چه رسد بفعل آن بر کل لازمست که بعضی از عباد را نصیحت نمایند و
من قبل الله اظهار دارند منادی احدیه از شطر الوهیه ندا میفرماید ای احبا
ذیل مقدس را بطین دنیا میالائید و بما اراد النفس و الهوی تکلم مکنید قسم
به آفتاب افق امر که از سماء سجن بکمال انوار و ضیاء مشهود است
مقبلین قبله وجود الیوم باید از غیب و شهود مقدس و منزّه باشند اگر بتبلیغ
مشغول شوند باید بتوجه خالص و کمال انقطاع و استغناء و علو همت و
تقدیس فطرت توجه باشطار بنفحات مختار نمایند ینبغی لهؤلاء أن یکون
زادهم التوکل علی الله و لباسهم حبّ ربهم العلیّ الأبهی تا کلمات آن نفوس
مؤثر شود نفوسی که الیوم بمشتهیات نفسیه و زخارف دنیای فانیة ناظرند
بغایت بعید مشاهده میشوند در اکثر احیان در ساحت رحمن بحسب ظاهر
زخارفی نبوده و طائفین حول در عسر عظیم بوده اند مع ذالک ابداء از
مشرق قلم اعلی ذکر دنیا و یا کلمه که مدل بر آن باشد اشراق ننموده و هر

نفسی که موفق شد و بساحت اقدس هدیه ارسال نمود نظر بفضل قبول شده مع آنکه اگر جمیع اموال ارض را بجواییم تصرف نمائیم احدی را مجال لم و بم نبوده و نخواهد بود هیچ فعلی اقبیح از این فعل نبوده و نیست که باسم حق مابین ناس تکدی شود بر آنجناب و اصحاب حق لازم که ناس را بتنزیه اکبر و تقدیس اعظم دعوت نمایند تا رائقه قمیص ابھی از احبای او استنشاق شود ولکن باید اولوالغنی بفقرا ناظر باشند چه که شان صابریں از فقراء عندالله عظیم بوده و عمری لا یعادله شان الا ما شاءالله طوبی لفقیر صبرو ستر و لغنی انفق و اثر انشاء الله باید فقرا همت نمایند و بکسب مشغول شوند و این امریست که برهر نفسی در این ظهور اعظم فرض شده و از اعمال حسنه عند الله محسوب و هر نفسی عامل شود البته اعانت غیبیه شامل او خواهد شد إنه یغنی من یشاء بفضله إنه علی کل شیء قدیر و همچنین در حفظ نفوس و تربیت اهل ملت و مملکت از مشرق مشیت رحمانی کلماتی مشرق که فوائد آن شامل جمیع من علی الارض خواهد شد لو یسمعون ما نزل من سماء الامر حال مصلحت نبود که ارسال شود در سماء مشیت معلق تا کی اراده الهیه تعلق گیرد و ارسال شود الامر بیده بسیار در تربیت نفوس جهد نمایند این از اهم امور بوده و خواهد بود و

البهاء عليك يا من سمع ندائك في ذكر ربك المقتدر العزيز المختار اى على
بگو باحبای الهی که اول انسانیت انصافست و جمیع امور منوط بآن قدری
تفکر در رزایا و بلائیای این مسجون نمائید که تمام عمر در ید اعدا بوده و
هر یوم در سبیل محبت الهی ببلائی مبتلا تا آنکه امرالله مابین عباد مرتفع شد
حال اگر نفسی سبب شود و باوهم خود در تفریق ناس سرا و جهرا مشغول
گردد او از اهل انصافست لا و نفسه المهيمنة على العالمين ينوح قلبی و
يدمع عینی لأمر الله و للذين يقولون ما لا يفقهون و يتوهمون في أنفسهم ما
لا يشعرون اليوم لایق انکه کل باسم أعظم متشبت شوند نیست مهرب و
مفری جز او و ناس را متحد نمایند اگر نفسی در اعلى علو مقام قائم باشد
و از او کلماتی ظاهر شود که سبب تفریق ناس گردد از شاطی بحر اعظم و
علت توجه بشطری جز مقام محمود مشهود که ظاهر است بحدود بشریه
جهانیه یشهد کل الاکوان بأنه محروم من نفحات الرحمن قل أن انصفوا یا
أولى الأبواب من لا إنصاف له لا انسانية له حق عالم است بکل نفوس و ما
عندهم که حق عالم است بکل نفوس و ما عندهم حلم حق سبب تجری
نفوس شده چه که هتک استار قبل از میقات نمیفرماید و نظر بسبقت
رحمت ظهورات غضبیه منع شده لذا اکثری از ناس آنچه سرا مرتکبند حق را

از آن غافل دانسته اند لا و نفسه العليم الخبير کل در مرات علمیه مشهود
و مبرهن و واضح قل لک الحمد یا ستار عیوب الضعفاء و لک الحمد یا
غفار ذنوب الغفلاء ناس را از موهوم منع نمودیم که بسطان معلوم و ما
یظهر من عنده عارف شوند حال بظنون و اوهام خود مبتلا مشاهده
میشوند لعمری انهم هم الموهوم ولا يشعرون و ما يتكلمون إنه هو الموهوم ولا
يفقهون نسئل الله أن يوفق الكل و يعرفهم نفسه و أنفسهم لعمری من فاز
بعرفانه يطير في هواء حبه و ينقطع عن العالمين ولا يلتفت الى من على
الارض كلها و كيف الذين يتكلمون بأهوائهم ما لا أذن الله لهم بگو اليوم يوم
اصغاست بشنويد ندای مظلوم را باسم حق ناطق باشید و بطراز ذکرش مزین
و بانوار حبش مستنیر اینست مفتاح قلوب و صیقل وجود والذی غفل عما
جری من إصبع الإرادة إنه فی غفلة مبین صلاح و سداد شرط ایمانست نه
اختلاف و فساد بلّغ ما أمرت به من لدن صادق أمين إنما البهاء عليك یا
أيها الذاکر باسمی و الناظر الى شطری و الناطق بثناء ربك الجمیل
از یمین عرش نازل